

پیوند ادب و سیاست: بازتاب جنگ جهانی اول در اشعار ادیب پیشاوری

جلیل قصابی گزکوه^۱

هادی وکیلی^۲

◆ چکیده

جنگ جهانی اول (۱۳۳۶-۱۳۳۲ ق. / ۱۹۱۸-۱۹۱۴ م.) گرچه در اروپا آغاز شد، اما دامنه آن به تدریج به دیگر نقاط جهان از جمله ایران رسید. با اینکه دولت ایران اعلام بی طرفی کرد، اما دولت‌های درگیر موضع ایران را نادیده گرفتند. گروه‌های فکری، فرهنگی و سیاسی ایران، جنگ را با واکنش‌های متفاوتی تلقی کردند؛ در این میان، جنگ جهانی بازتاب در خور توجهی در ادبیات ایران به ویژه شعر یافت و اکثر شاعران ایرانی به عنوان بخشی از بدنه فکری و فرهنگی جامعه، شرایط اجتماعی ایران را که حمایت از دولت آلمان و انزجار و تنفر از دولت‌های انگلیس و روسیه بود، آشکار کردند. ادیب پیشاوری از جمله شاعران ایرانی بود که انتقاد از تهاجم دولت‌های انگلیس و روسیه را موضوع برخی از اشعار خود قرار داد. در این پژوهش، دیدگاه و نظریات ادیب در باره جنگ جهانی اول و چگونگی حمایت وی از آلمان و متحدانش و انزجار از انگلیس و روسیه بررسی می‌شود.

• واژگان کلیدی:

جنگ جهانی اول، ادیب پیشاوری، ادب و سیاست، اشعار

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۴/۱۵

^۱ کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد Email: Ghasabian.history@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد Email: Vakili355@yahoo.com

مقدمه

جنگ جهانی اول (۱۳۳۶-۱۳۳۲ ق. / ۱۹۱۸-۱۹۱۴ م.) ایران را ناخواسته به عرصه زدو خورد نیروهای درگیر در جنگ کشانید. نخستین واکنش دولت ایران، اعلام بی طرفی با فرمان ۹ آبان ۱۲۹۳ بود. اما در حالی که متفقین، بخش بزرگی از خاک کشور را در اشغال داشتند، اعلام بی طرفی معنایی نداشت. مردم ایران از آغاز دوره قاجاریه، موارد متعددی از تجاوز و مداخله دولت‌های روسیه و در مرحله بعد، انگلیس را در خاطر داشتند و در جنگ جهانی اول مخالفت، انزجار و تنفر از دولت‌های انگلیس و روسیه آشکار بود: گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همچون سیاستمداران، روحانیون، روزنامه‌نگاران، شاعران و دیگر مردم، نسبت به حضور متجاوزانه نیروهای بیگانه واکنش‌های متفاوتی نشان دادند.

در پی تجاوز دولت‌های انگلیس و روسیه به ایران پیش از جنگ و زمان جنگ، ستایش از آلمان - که رویکرد استعماری نداشت - در ادبیات فارسی، به ویژه شعر جایگاه خاص یافت. شاعری که بیش از همه در حمایت از آلمان شعر سرود، ادیب پیشاوری بود. افزون بر آن، باید از شاعران دیگر، از جمله ملک الشعراء بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۰ ش.)، وحید دستگردی (۱۳۲۱-۱۲۵۸ ش.)، عارف قزوینی (۱۳۱۲-۱۲۵۷ ش.) و میرزاده عشقی (۱۳۰۳-۱۲۷۲ ش.) نیز یاد کرد، که سیاست متفقین را محکوم کردند و پیشرفت‌های آلمان را ستودند.

شرح حال ادیب پیشاوری

سید احمد رضوی، متخلص به "ادیب" و مشهور به "ادیب پیشاوری"، ادیب و سخنور برجسته سده سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی در بسیاری از علوم عقلی و نقلی از سرآمدان روزگار خود بود (عبدالرسولی، ۱۳۶۲: ۲). او در پیشاور و در اصل در اراضی کوهستانی میان افغانستان کنونی و پیشاور در میان عشایر جنگ جوی آن سامان به دنیا آمد (معلم

حبیب‌آبادی، ۱۳۳۸: ۱۶۲۳/۵ / تویسرکانی ۱۳۵۰: ۳۰۵). بر سر زمان تولد ادیب اختلاف نظر هست، اما سال ۱۲۶۰ ق. به واقعیت نزدیک تر به نظر می‌رسد (بامداد، ۱۳۵۲: ۱/ ۷۷ / آرین پور، ۱۳۵۱: ۳۱۷ / تویسرکانی، ۱۳۴۶: ۸۵). ادیب دوران کودکی را در زادگاهش گذرانید. پیشاوردر سال‌های تسلط انگلستان بر هند، روزهای خونینی را پشت سر نهاده و سرانجام پس از شکست قیام پرشور ۸-۱۸۵۷ م. به تصرف قوای انگلستان در آمده بود. خاندان ادیب در آن روزگار، پیشاهنگ امر جهاد بودند و ادیب نوجوان نیز در این جهاد شرکت کرد، اما با سرکوب نبرد استقلال، «پدر و بنی اعمام و غالب اقارب و ارحام» وی به قتل رسیدند (باستانی پاریزی، ۱۳۵۷: ۲۱۲) و ادیب به اصرار مادرش، مهدعلیا، از میانه قتلگاه به کابل گریخت. او در قیصرنامه، به تصرف پیشاور به دست انگلیسی‌ها به این مطلع اشاره کرده است:

از آن راند، گستاخ در خان من
بشادی نشست، اندر ایوان من...

(پیشاوری، ن. خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۴۲)

ادیب دو سال در کابل نزد آخوند ملامحمد آل ناصر به کسب علم پرداخت. سپس به غزنین رفت و دو سال و نیم در محضر ملاسعدالدین غزنوی فنون ادب و حکمت آموخت. چند صباحی نیز در هرات و سپس به مدت یک سال و نیم در تربت جام اقامت گزید. ورود و اقامت ادیب در ایران دوره‌ای مهم از زندگی اوست. وی پس از مدتی به مشهد مهاجرت کرد و از آنجا، در سال ۱۲۸۷ ق. به سبزوار رفت و در محضر حاج ملاحادی سبزواری و فرزندش آخوند ملامحمد سبزواری به کسب علم پرداخت (معلم حبیب‌آبادی ۱۳۳۸: ۱۶۲۴/۵). پس از رحلت ملاحادی سبزواری در ۱۲۹۰ ق. به مشهد بازگشت و در مدرسه میرزا جعفر سکنی گزید و به تدریس پرداخت (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۲۸). از آنجا که پنج - شش نفر از دانشمندان آن روزگار خراسان شهرت "ادیب" داشتند، وی "ادیب هندی" شهرت یافت (تویسرکانی ۲)، ۱۳۵۰: ۳۰۶). ادیب در سال ۱۳۰۰ ق. به تهران مهاجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر

زیست. او روز دوشنبه سوم صفر ۱۳۴۹ / نهم تیر ۱۳۰۹ در منزل یحیی خان قراگوزلو وزیر معارف وقت درگذشت (عبرت نائینی، ۱۳۷۶: ۱/۳۶).

ادیب بر ادب فارسی و عربی چیرگی داشت و در علوم مختلف از جمله منطق، معانی و بیان، کلام، حکمت، تاریخ، لغت و ریاضیات از استادان مسلم زمان به شمار می‌رفت (اسحاق، ۱۳۶۳: ۱/۲۱۶). آقا بزرگ تهرانی، ادیب پیشاوری را "عالمی حکیم و ادیبی فاضل" خوانده و او را "جامع فنون" شمرده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۴: ۱/۸۳). ادیب پیشاوری «کشاف مشکلات، مفتاح مغلقات دقایق، حکیمی دانشمند و فاضل» بود و در الهیات او را به ارسطو و در طبیعیات به افلاطون همانند کرده‌اند (عبرت نائینی، همان: ۶۱) و پرنو، جهانگرد فرانسوی در دیدار با ادیب، وی را «روحانی فیلسوفی دانسته که با موفقیت بی‌نظیری در تهران تدریس می‌کرد» (پرنو، ۱۳۲۴: ۶۲).

از جمله آثار وی، بدین شرح است:

۱. دیوان اشعار

بنا بر گزارش سدیدالسلطنه در سال ۱۳۰۸ ش. دیوان ادیب پیشاوری را «نظر به زندگی بیشتر ابیاتش نسبت به انگلیسی‌ها تاکنون به چاپ نرسانیده‌اند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۲۸). چند سال پس از مرگ ادیب، علی عبدالرسولی دیوان او را با مقدمه‌ای که بیشتر مشتمل بر زندگینامه او بود، در سال ۱۳۱۲ ش. در تهران به چاپ رسانید. این دیوان شامل ۴۲۰۰ بیت از اشعار اوست. حدود نیمی از اشعار ادیب، مسائل سیاسی روز در ایران، منطقه و جهان است و از این میان، بیش از یک سوم دیوان در باره جنگ جهانی و ستایش قیصر است.

۲. قیصرنامه

سروده‌ای حماسی است مشتمل بر ۱۴۰۰۰ بیت، که ادیب به درخواست عبدالرسولی - جامع دیوان - آن را "قیصرنامه" نام نهاد (عبدالرسولی، ۱۳۶۲: ۱۵). گفتنی است که عبرت نائینی شمار ابیات قیصرنامه را ۱۲۰۰۰ بیت آورده است (عبرت نائینی، ۱۳۷۷: ۶۲). مثنوی

سیاسی - رزمی - اخلاقی **قیصرنامه** بر وزن **شاهنامه فردوسی** سروده شده و مشتمل بر مضامین عرفانی، پند و اندرز و ترغیب ایرانیان به مردانگی و جانبازی در راه استقلال و عظمت ایران و پیکار با ظلم و ستم است. ادیب در این اثر، گذشته از کینه کهنه ای که با انگلیس داشت، تابع شرایط زمان بود و به تمجید از مردم، سپاه و قیصر آلمان ویلهلم دوم^۱ (۱۹۱۸-۱۸۸۸ م.) پرداخت. شاعر هدف از سرودن **قیصرنامه** را چنین بیان کرده است:

مرا بود مقصود ازین نظم سال که پر دود شد خانه بد سگال
برانگیزم آنگه یکی رستخیز در این نامه زین خاصه مشکیز
(پیشاوری، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۱۳۱)

۳. رساله در بیان قضایای بدیهیات اولیه

۴. رساله در تصحیح دیوان ناصر خسرو

۵. تصحیح و تحشیۀ تاریخ بیهقی

۶. ترجمۀ الأشارات و التنبیہات شیخ‌الرئیس ابن سینا که ناتمام ماند (همان: ۱۵).

۷. قصیدۀ معروفی که ادیب به هنگام جنگ یونان و عثمانی سرود و به نوشتۀ سدیدالسلطنه ۸۰۰ بیت از آن باقی مانده، گرچه تاکنون چاپ نشده است.

۸. قصۀ یوسف و زلیخا در ۴۰۰۰ بیت، که ناتمام ماند.

۹. حکایت تاجر؛ منظوم‌های است در بحر متقارب در حدود ۱۸۰۰ بیت که ادیب در ۶ ماه

آخر عمر سرود و حکایت تاجری است که خواهرش را ربوده‌اند (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۲۸).

۱۰. به نوشتۀ تویسرکانی، ادیب کتابی هم در شرح اقوال حکما و مشکلات اشعار

شعرا عرب در حدود ۸-۷ مجلد نوشته بود که اصل آن در کتابخانۀ مدرسۀ عالی سپهسالار نگهداری می‌شود (تویسرکانی، ۱۳۵۰: ۱۰۵/۱).

^۱. Wilhelm II

۱۱. ادیب همچنین منظومه ناتمام "زهره و منوچهر" ایرج میرزا را به پایان رساند (میرانصاری، ۱۳۷۷: ۳۷۰/۷).

دیدگاه ادیب در باره جنگ و طرف‌های مخاصمه

ادیب دیدگاه خود را در باره طرف‌های مخاصمه در جنگ به وضوح بیان کرده است. در باب مواضع ادیب نسبت به آلمان دو دیدگاه در میان محققان وجود دارد. یک دیدگاه، نظر آراین پور است که به باور او: «در رأس جریان آلمان دوستی شعرای ایران، ادیب پیشاوری در رأس این جریان قرار دارد.» (آراین پور، ۱۳۵۱: ۳۱۷/۲). دیدگاه دوم به ریپکا تعلق دارد که بنابر آن: «نفرت از انگلیس در برخی از میهن‌پرستان مانند ادیب پیشاوری جای خود را به آلمان دوستی داده است.» (ریپکا، ۱۳۸۳: ۶۲۶/۲) دیدگاه اخیر با گزارش سپهر در کتاب «ایران در جنگ بزرگ» همخوانی دارد. به گفته او:

«شنبه ۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۵ / ۹ دی ۱۲۹۵ شاعر شهیر ایران، ادیب پیشاوری اشعاری راجع به فتح رومانی توسط سرداران بزرگ آلمانی سرود و با بیان شیوا قیصر آلمان را مدح کرد. نگارنده ابیات مزبور را ترجمه با متن فارسی آن را به برلن فرستادم که به وسیله وزارت امور خارجه به نظر امپراتور رسید [...] امپراتور امر فرمود هدایایی که لایق چنین سخن‌سراییی باشد به وی تقدیم گردد. اما هر قدر زومر و من به سید ادیب اصرار کردیم زیر بار قبول هیچ‌گونه هدیه نرفت و گفت: عشق و علاقه من به قیصر آلمان، علتی جز دشمنی با انگلستان ندارد.» (سپهر، ۱۳۶۲: ۴۰۲).

در اصل آنچه وی را به سرودن ابیات و قصاید وطنی و به ویژه مثنوی **قیصرنامه** سوق داد، همان‌گونه که خود او اذعان کرده است، مصیبتی بود که سربازان انگلیسی بر سر خانواده وی آوردند. افزون بر این، سرودن مثنوی **قیصرنامه**، آن هم در سال‌های سالخوردگی ادیب،

نشانه ای است از فضای اجتماعی این دوره و می‌توان تأثیر اندیشه بیداری به وجود آمده در مردم ایران را در اشعار او احساس کرد.

ادیب در جریان جنگ به بی‌طرفی ایران چندان تمایل نداشت و هرکجا مقاومتی علیه استعمار انگلیس می‌دید، از آن حمایت می‌کرد. از جمله، زمانی که مردم دشتستان به مقابله با تجاوز نیروهای انگلیس در جنوب پرداختند، ادیب آنان را ستایش کرد، از مبارزان تنگستانی که در روزگار تیره ایران درخشیدند، خواست تا از لحاظ جنگاوری، همانند سربازان آلمانی به میدان جنگ روند تا بر لشکر انگلیس خصم پیروز شوند. وی تنگستان را به سبب تحركات ضد انگلیسی اهالی، به سری برای ایران تشبیه کرده است:

نثار آورم پارسی زاده را	ز دریا و کان ^۱ لعل و بیجاده ^۲ را
هزار آفرین بر دلیران پارس	گهر بار بر فرق شیران پارس
یکی هاشمی قنبر پارسم	ثا گستر کشور پارسم
که شیران لشکر شکن، پروری	همه خاک ایران تن و تو سری

(پیشاوری، ن.خ. ۶۱۴۵۶/۸۱۲۸: ۴۵-۴۷)

در آن روزها و با آغاز جنگ جهانی، دل آزرده‌گی‌های چند ساله از دولت‌های انگلیس و روسیه از یک سو، نومی‌دی از دولت و کوشش مأموران آلمان و عثمانی به «دستاویز اتحاد اسلام از دیگر سوی، دست به دست هم داده، تکان سختی در کشور پدید آورد. به ویژه با باورهایی که به پیروزی آلمان در جنگ در دل‌ها پیدا شده بود و کمتر کسی گمان دیگری به نتیجه می‌برد.» (کسروی، ۱۳۶۴: ۶۲۹). از این رو، بیشتر ایرانیان، به دولت و ملت آلمان به چشم منجی

^۱. کان: معدن

^۲. بیجاده: نوعی یاقوت

می‌نگریستند؛ پیر و جوان و زن و مرد و کوچک و بزرگ، در صورت مواجهه با یک نفر آلمانی «کوشش داشتند خدمتی نسبت به او انجام دهند، هر چند ناچیز باشد» (کحال زاده، ۱۳۶۳: ۵۹).

مذمت و نکوهش متفقین در جنگ جهانی و تشریح تجاوزهای آنان

بیشترین اشعار ادیب، افشای مظالم دولت انگلستان است، که به لحاظ وسعت مستعمره‌ها، دشمن اصلی ملت‌های مسلمان شمرده می‌شد. وی استعمار انگلیس را «دشمن دین»، «خواجه بوالحیلت»، «دیو رجیم» و «افعی عالم گزای» عصر خویش می‌انگاشت و انگشت دولت انگلیس را در فتنه‌ها و توطئه‌های ضد اسلامی و ضد ایرانی دخیل و مؤثر می‌دید (پیشاوری، ن.خ. ۱۴۵۶/۶۱۲۸: ۷۸-۷۹). از این رو، کینه‌ای عمیق از انگلیسی‌ها به دل داشت و از این جهت به قیصر آلمان اظهار علاقه می‌کرد که او را نیز در دشمنی با دشمن خویش هم‌اواز می‌یافت. اساساً ادیب، انگلیس را دشمن دین اسلام می‌دانست: «دشمن دینی و هست دشمنی ات دین من» (پیشاوری، ۱۳۶۲: ۹).

به طور کلی، غالب آنچه که او در وصف استعمار سروده ناظر به ماهیت و عملکرد انگلیس بود: انگلیس آتش‌افروز اصلی جنگ بر ضد متحدین و مسئول قتل همه کسانی است که در جنگ با آلمان از بین رفته اند:

تو ای داده مردم به کشتن همه	نجسته ره باز گشتن همه
نه ژرمن، که تو خونشان ریختی	که بر جنگشان دل برانگیختی
کجا رست خواهد شد ز چنگ عقاب ^۱	چو گنجشک آوری به چنگ عقاب

(پیشاوری، ن.خ. ۱۴۵۶/۶۱۲۸: ۲۰۴-۲۰۵)

^۱ کنایه از ارتش آلمان که بردریش آن، نشان عقاب نقش بسته بود.

اگر خون این بی‌گناهان هزار شود ریخته از یمین و یسار
 نبودش ازین کار پرهیز هیچ نینسی چنین فتنه‌انگیز هیچ
 (پیشاوری: ۱۶۲)

ادیب در جای دیگری، انگلیس را «ابلیس گیتی دام و عالم‌گیر» می‌خواند:
 خدعه ابلیس گیتی دام عالم‌گیر او پاره کن از هر کران، گر شهر ور خود روستاست
 (همان، ۱۳۶۲: ۱۹)

به نظر او استعمار انگلیس، آسایش و صلح جهانی را پایمال کرده است و هر چه بلا در
 جهان است، به انگلستان مربوط می‌شود:

سال‌ها بگذشت کز تشویش او در شرق و غرب هیچ پهلویی به آسایش نسوده بستری
 (همان: ۱۴۳)

این بلاها در جهان یکسر از این بیداد خواست کآفت هر ملک‌تست و فتنه هر کشوری
 (همان: ۱۴۸)

از دید ادیب، دولت انگلیس، رفتاری دوگانه داشت: گاهی همچون «شب پره در زمانی
 که چشم‌ها خفته» و «خورشید در چاه مغرب نهفته»، در آرامش شب شیخون می‌زند و زمانی
 همچون «جره بازه عقاب نر و قوی» آشکارا در آسمان به شکار می‌پردازد.

به هر کشور اندر که آمد فرود دو گونه بدش کار و گفت و شنود
 چو شب پره گاهی نهان پر زدن دگر باره چون جره بازی شدن
 (پیشاوری، ن.خ. ۱۴۵۶/۶۱۲۸: ۱۶۴)

حضور انگلیس در هر کشوری موجب ویرانی و آشفته‌گی است. انگلیسی‌ها گرگ‌هایی
 هستند، که به ویژه در خاور زمین، در لباس میش ظاهر شده‌اند (همان: ۱۶۰).

...به هر خانه کامد از در درون همه کار آن خانه شد باژگون

(همان: ۱۶۰)

و البته این سیاست انگلیس همواره ترکیبی از فریب و تهدید بود:

گهی با فریب و گهی با نهیب رخ خویش را داده چون سیب زیب

(پیشاوری، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۱۶۱)

ادیب، سیاست منفعت طلبی انگلیس را سرمنشأ همه بدی‌های جهان می‌دانست، که «بدخو و دام گستر» است (همان: ۵۰). استعمار انگلیس با انگیزه کسب سود بیشتر، اقتصاد کشورها را متلاشی می‌کرد. وی سبب وقوع جنگ جهانی را منفعت‌پرستی انگلیس می‌دانست:

پی سیم و زر دام پهن‌آوری بگسترده بر روی هر کشوری

پی سود بازار سوداگری برانگیخت خصم شه این داوری

(همان: ۱۵)

ز کشور به کشور بُرد بار خویش براند بر آیین و هنجار خویش

فرود آید آنجا که کام آیدش نه ماهی که مرزیر دام آیدش

گزیند چو آید یکی شارسان پی سود و سودا یکی کارسان

(همان: ۴)

دولت انگلیس در پایان جنگ به عنوان تنها قدرت برتر جهان خودنمایی می‌کرد و در پی اهداف و آمال دیرین خود در خاورمیانه و به خصوص ایران بود. دولت انگلیس توانست در ایران، توافقنامه‌ای با وثوق‌الدوله-نخست‌وزیر وقت- منعقد کند (۱۹۱۹م). این توافقنامه اقتصاد و قشون ایران را در اختیار مستشاران انگلیسی قرار می‌داد. ادیب که «حب وطن و عشق به استقلال مملکت، مذهب و سیرت او بود و هیچ گناهی را بزرگ‌تر از خیانت به وطن و تمایل به

اجانب نمی دانست» (عبدالرسولی، ۱۳۶۲: ۶)، در مجلسی با حضور وثوق الدوله، آشکارا وی را عامل بیگانه شمرد (بامداد، همان: ۷۸/۱). وی از توافقنامه ۱۹۱۹ م. به قرارداد «فروشِ مامِ وطن به بیگانه» یاد کرده و در انتقاد از وثوق الدوله آورده است:

منم، پور ایران و مام خویش مرا غیرت آید ز اندازه بیش
به بیگانه نفروشم، این مام را کجا زشت و ننگین کنم این نام را؟
(ابوالحسنی، ۱۳۷۳: ۹۸)

هم‌زمان با انعقاد توافقنامه مذکور، ادیب پیشاوری نزدیک به ۸۰۰۰ بیت در معایب آن به نظم درآورد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۲۸). شاعر در بارهٔ عاملان توافقنامه و فریفته شدن آنان به وعده‌های انگلیس، چنین سرود:

اگر چند لندن چو باغی است خوش به خوبی چو طاووس یازنده کش^۱...
بریتانیا پارگین^۱ خانه‌ای است پر از مار و کژدم یکی لانه‌ای است...
گرت خوی آزادگان در نهاد بُدی، بوده‌ای کی به این بند شاد؟
که بر کیش و بر خویش ننگ آوری که دینار و درهم به چنگ آوری...
وز این هر سه^۲ بدتر کسی کوشنید چنین قول از چون تو مادر پلید
چرا داده‌ای دین و دولت به باد؟ چرا گشته‌ای با چنین عهد شاد؟
(همان: ۱۰۰-۹۹)

^۱ پارگین: جایی که آب‌های آلوده و متعفن در آن جمع گردد.

^۲ یازنده کش: خوش خرام

^۳ وثوق الدوله، صارم الدوله و نصرت الدوله از طراحان ایرانی انعقاد توافقنامه ۱۹۱۹ م.

به نظر ادیب با آمدن انگلیسی‌ها به ایران، راه صنعت و تولید بر پیشه‌وران ایرانی بسته و بازار هنر و نوآوری داخلی مسدود شد (پیشاوری، ن.خ. ۶۱۴۵۶ / ۸۱۲۸: ۱۲). او انگلیس را به «پیشه کلاغ» تشبیه کرده است:

بیرون رو ای پیسه کلاغ، کامد گل سوز به باغ تا گرد این روشن چراغ، مرغ و پری چنبر زند
(همان: ۲۲)

ادیب، روسیه تزاری را نیز در سیاست خارجی بازیچه دست انگلیس می‌دانست. او به لحاظ توافق‌ها و تبانی‌های انگلیس با دولت روسیه تزاری در فاصله سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۰۷م. دولتمردان انگلیس را در جنایات روس‌ها در ایران، شریک جرم می‌شمارد:

مگو روس، کاین فتنه، انگریز^۱ کرد همه کار، این فتنه‌انگیز کرد
(همان: ۱۷۹)

از دیدگاه شاعر، انگلیس در قیام سراسری مردم روسیه علیه نیکولای دوم، تزار روس، در اواخر جنگ جهانی و متعاقب شکست‌های پیاپی ارتش تزاری از آلمان نقش داشته است، زیرا تزار روس ظاهراً درصدد بود تا در معاهده جداگانه‌ای، با قیصر آلمان پیمان صلح ببندد، اما در این صورت، انگلیس در شرایط نامساعدی قرار می‌گرفت. از این رو ادیب، وقوع ناگهانی انقلاب روسیه را نتیجه دخالت‌های دولت انگلیس می‌دانست:

ندانم چه جادو به کار آورید که یک باره از مرد، مردم رسید
بگفتند این شاه ما ناسزاست از او فـره خسروانی جداسـت

(همان: ۱۳۶)

تغییر حکومت در روسیه، بر اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران تأثیر عمیق داشت؛ فشار نظامی روسیه تزاری پس از بیش از یک قرن، ناگهان برطرف شد و در برابر میهن‌دوستان

^۱. انگریز: انگلیس

آزادبخواه، روزنهٔ امیدی نمودار گردید (سپهر، همان: ۴۵۱). به همین سبب، مردم ایران از انقلاب روسیه استقبال کردند و شعرا نیز، مانند سایر اقشار مردم، این انقلاب را بدین سبب که کشور را از ظلم روسیه نجات می‌داد، به فال نیک گرفتند. به گزارش کحالزاده این شعر ادیب پیشاوری در آن تاریخ (۱۳۳۶ق. / ۱۹۱۷ م.) وردِ زبان تمام ایرانیان بود:

خروشی برآمد ز پتروگِراد که شه اشک ریزان ز تخت اوفتاد
(کحال زاده، همان: ۲۷۷)

ادیب نظر خود را در بارهٔ انقلاب بلشویکی روسیه، در گفت و گو با موریس پرنو جهانگرد فرانسوی در سال ۱۳۰۴ ش. بیان داشت:

«از ادیب پرسیدم که آیا عقاید کمونیست‌ها در ایران طرفداری پیدا کرده است یا خیر؟ ادیب برای من شرح داد [...] چون به زودی معلوم شد که روس‌ها در زیر نقابِ بلشویسم پنهان شده‌اند، اعتماد عمومی سلب گردید [...] حکیم به سخنش افزود: روس‌ها به اروپاییان اطمینان داده‌اند که تبلیغات آنها در سراسر شمال ایران مؤثر واقع گردیده و حال آنکه هرگز چنین نیست. در حال حاضر (۱۳۰۴ ش.) هیچ خطری از بلشویسم در ایران وجود ندارد» (پرنو، ۱۳۲۴: ۶۴-۶۱). ادیب می‌دانست که عقاید بلشویکی روسیه، به سبب وجود تعالیم اسلام، در ایران رواج و رسوخ نخواهد یافت.

موشکافی ادیب، از نقّادی مظالم استعمارگران غربی به ویژه انگلیس و درک عمیق او از سردمداری پنهان و دوردست آمریکا در زمینه‌سازی این کشور برای چپاول سرزمین‌های اسلامی در مجموعه اشعار او جلوه یافته است. در جریان جنگ جهانی، آمریکا بیشتر ناظر درگیری قدرت‌های جهان و منتظر تضعیف هر چه بیشتر دو جناح درگیر بود، تا بنیهٔ سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را تقویت کند.

به گزارش روزنامه عصر جدید، ذیل عنوان «استقراض متفقین از آمریکا» تمایل باطنی قسمت اعظم اهالی آمریکا از ابتدای جنگ نسبت به متخاصمین چندان پوشیده نبود، آنها متمایل به متفقین بودند. «به همین دلیل دولت آمریکا از نقطه نظر مالی کمک‌های زیادی به متفقین داد» (عصر جدید، س ۲، ش ۱۸: ص ۱). سرانجام پس از ماهها زمینه‌سازی سیاسی و تبلیغاتی، دولت آمریکا به طور رسمی وارد جنگ شد. ادیب با کنایه، خطاب به ویلسون رئیس جمهور آمریکا و کمک‌های تسلیحاتی و غذایی وی به متفقین سروده است:

دو رویی مکن ای نکوهیده مرد	تو هرگز بگرد دورویی مگرد
چو با دشمنم دوستی افکنی	بُود با من این دوستی دشمنی
اگر بخردی ور که دیوانه‌ای	تو دشمن نژادی نه بیگانه‌ای

(پیشاوری، ن.خ. شماره ۶۵: ۸۵)

غرق شدن کشتی لوزیتانیا نیز موجب اعتراض و انزجار مردم در سراسر آمریکا شده بود. (هیوز، ۱۳۶۱: ۵۳) و این مسأله، بهانه خوبی به دست دشمنان آلمان به ویژه انگلیس داد تا آمریکا را به جنگ با آلمان بکشانند و جان خسته و فرسوده متفقین را از زیر ضربات قیصر رهایی بخشند (کحال زاده، ۱۳۶۳: ۲۳۸). حضور آمریکا در جنگ، هم از نظر نظامی و هم از نظر اقتصادی توازن قوا را به نفع متفقین بر هم زد (هیوز، ۱۳۶۱: ۶۲). ادیب کمک‌های ویلسون رئیس جمهور آمریکا را به دولت انگلیس مانند «زرهی در جنگ، برای یک جنگ جو» توصیف کرده است. (پیشاوری، ۱۳۶۲: ۱۴۳). از این رو، او از آمریکایی‌ها به عنوان «قومی زراگن، درم توز و دریا سپاه» یاد می‌کند که دیو انگلیس آنان را فریفته و به گرداب ستیز با ارتش آلمان افکنده است. (همان، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۱۳۴). به نظر او، قیصر آلمان از اینکه انگلستان توانسته است کشور تازه نفسی چون آمریکا را در جنگ با خود همراه کند، احساس نگرانی کرده است:

غمی شد ز جنگی که سرهنگ شاه

همی کرد با فر و فرهنگ شاه

(همان: ۱۳۵)

ادیب، آمریکا را «ریکاشه» (خارپشت بزرگ) خوانده و همراه بریتانیا، هدف «مرغوای» (نفرین) خویش قرار داده و قیصر آلمان را به سبب کوشش فراوان برای سرکوب آنان شایسته مُرُوا (دعا) دانسته است:

بهراین ریکاشه کز امریک خواست دشمن خون‌خوار آمریکایمیش
 مرغوا چندان بر او بادی زَمَن که به جانِ شه بود مُروایمَش
 (پیشاوری، ۱۳۶۲: ۷۶)

وی با تحلیل سیاسی سنجیده‌ای، عامل پیروزی متفقین را راه یافتن آمریکا به جنگ با خدعهٔ انگلیس دانسته و چنین سروده است:

شاه جرمن کوفت این پتیاره را لیک از قضا حائل آمد در میانه کار افزار ولسنی
 گر نیاوردی زمانه پای ولسن در میان از زمین کوتاه گشتی دست جور ساکسنی^۱
 (همان: ۱۳۲)

دولت رومانی از آغاز جنگ عالم گیر، سیاست احتیاط‌آمیزی در پیش گرفت، اما پس از مدتی، دولتمردان این کشور دریافتند که منافع آنها در جنگ، اتحاد با متفقین است، زیرا به پیروزی متفقین بسیار خوش‌بین بودند (عصرجدید، س ۲، ش ۱۲۰: ص ۱). از این رو، دولت رومانی به دنبال دست یافتن به اراضی «ترانسیلوانی» در اواخر سال ۱۹۱۵ م. به اردوی متفقین پیوست (هیوز، همان: ۴۸). دولت آلمان نیز بر حملات به رومانی افزود و در نتیجه، با فتح رومانی، آلمانی‌ها توانستند گندم و روغن مورد نیاز خود را به دست آورند (لیتل فیلد، ۱۳۸۱: ۲۱۱). پیروزی نیروهای آلمانی از نگاه ادیب دور نماند:

شنیدم یکی مرد آشفته مغز که دیوش بیفکند در گو به مغز
 به شاهی برآورده بد نام خویش شمار سپاهش نه کم بد نه بیش

^۱ ساکسن: اشاره به نژاد انگلیس

...چو بشنید قیصر، چنان برفروخت
 که گیتی از آن تف همی خواست سود
 ...چو سرهنگ شه آهنین دژ گشود
 سروش ظفر می سرودش سرود
 همه ملک بگرفت سالار شاه
 زن و مرد رفتند زنهار خواه...
 کار باره‌ی بخارست با فرّ شاه
 گشادیم و بشکسته شد رزم خواه
 (پیشاوری، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۹۹-۱۰۰)

دولت ایتالیا نیز در بهار ۱۹۱۵م. متعاقب قولی که متفقین برای الحاق دو ایالت «ترانتین» و «تریست»^۱ به آن کشور داده بودند، به متفقین پیوست (هیوز، ۱۳۶۱: ۴۷). مورخ الدوله سپهر، ماجرای کناره‌گیری ایتالیا از صف متحدین و پیوستن به جناح متفقین را با شوق خاصی بیان کرده است: «دوشنبه ۹ رجب ۱۳۳۳/ ۲۴ مه ۱۹۱۵ ایتالیا به اطریش اعلام جنگ نمود. روز بعد بچه‌ها در کوچه و خیابان تهران این شعر را از راه تمسخر می‌خواندند:

در صداقت در شجاعت در وفا
 عبده ایتالیا ایتالیا ایتالیا
 (سپهر، ۱۳۶۲: ۱۷۷)

ادیب، ایتالیا را به سبب پیمان‌شکنی و اتحاد با متفقین علیه متحد سابقش آلمان، مورد انتقاد قرار داد:

کنون نوبت جنگ ایتالیاست
 که بر سرش باریده سنگ قضاست
 یکی آنکه پیمان‌شکن بود مرد
 دگر آنکه با شوم شد پایمرد
 ز پیمان هر آنکس که تابد سر
 قضا کرد خونش چو مالش هدر
 (پیشاوری، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۲۰۶)

^۱. Trentin-Trieste

نقشه ارتش آلمان، حمله سریع به فرانسه از مسیر بلژیک، کوتاه‌ترین راه برای رسیدن به خاک فرانسه بود. از این رو ارتش آلمان در مدت کوتاهی بلژیک را به تصرف درآورد (لیتل فیلد، ۱۳۸۱: ۲۰۲). ادیب اشاره کوتاهی به این ماجرا کرد:

...بلجیک را رنج حرب بگرفت ز آن ویل و کرب بگشاد زی صربی سرب^۳ آن قمع و استیصال‌ها
چون ماکیان^۱ خاصه کریز بنموده پشت اندر کریز^۲ بر فرق خاک تیره نیز رخ زرد از اوجال‌ها^۴
(همان: ۸-۶)

ستایش مردم، ارتش و قیصر آلمان و تشجیع آنها در مبارزه با انگلیس

ادیب می‌دانست که آلمان هم اگر مجال یابد، از سلطه‌جویی بر دیگر کشورها خودداری نمی‌کند، اما اکنون، آلمان دشمن انگلیس و روسیه بود. به نوشته تویسرکانی:

«وزیرمختار آلمان شخصاً نزد ادیب آمد و اجازه خواست که کتاب قیصرنامه را چاپ کند، اما ادیب موافقت نکرد و گفت از روی دوستی با آلمان این اشعار را نگفتم که شما به حساب خودتان بگذارید. من در اثر بدبینی با انگلیسی‌ها آنچه دلم گفت بگو، گفته‌ام و نمی‌خواهم تا زنده هستم چاپ شود و مردم آن را به حساب تبلیغات آلمان بگذارند» (تویسرکانی ۱/۱۳۵۰: ۱۳۵).

وی در جای جای اشعار خود، میان قیصر و قهرمانان افسانه‌ای و اسطوره‌ای ایران همانندی برقرار می‌کند تا پسند خواننده واقع شود:

تیغ تو خورشید وار چون بدمد خصم تو شب پره وش در شکاف زود سَراندر بَرَد
...خصم به جادوگری مار پر آور شده است تیغ تو بال و پراز مار پَرآور بَرَد

۱. ماکیان: مرغ خانگی

۲. کریز: پر ریختن طیور

۳. سرب: طریق و راه

۴. اوجال: ترس‌ها و بیم‌ها

خنجر تو رستمی است خصم تو ارژنگ^۱ دیو دیو کجا جان از این آخته خنجر برد.
 ...مرو تو اقصای شرق آمل تو برلن است تیر تو از باختر سر سوی خاور برد^۲
 خطبه فتح ظفر چرخ به نام تو کرد کس نتواند که گوی از تو مظفر برد...
 (پیشاوری، ن.خ. شماره ۶۵: ۲۱-۲۲)

ادیب به جزئیات مسائل نظامی و تاکتیک‌های طرفین جنگ نیز توجه داشت؛ مانند اشاره به پناهگاه‌های انگلیس برای نجات از آسیب حملات ارتش آلمان یا ابزار و ادوات جنگی قیصر که چگونه در نبردی دریایی توانستند دشمن را غافلگیر کنند و به محاصره درآوردند:

شنیدم که هر جا که بد پیشگاه بدان سو چنان رفت فرمان شاه
 کز این پس نباید که دانند ناو به دریا شود چون به هامون چکاو...
 کنون زیر دریا پر از اژدر است خذرتان ازین اژدها در خور است
 (همان، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۱۱۱-۱۱۲)
 زمانه بیاورد کاری شگرف که آتش برانگیخت از آب ژرف
 کلنگی به دریا درون تاخته هوارا زشاهین برداخته
 به دریا درون با چنین دستگاه بسی کشتی خصم زو شد تباه
 (همان: ۱۱۷)

شاعر با درک احساسات و عواطف مردم ایران در خلال سال‌های پیش از جنگ و در طول جنگ، در مقام نمایندگی تمام مردم بر بلندای بام ایران می‌ایستد و خطاب به قیصر آلمان می‌گوید:

^۱ ارژنگ: نام دیوی که در مازندران به دست رستم کشته شد- آخته شد.
^۲ اشاره به داستان آرش که گویند از آمل تیری انداخت و به مرو فرود آمد که چهل روز راه است.

همه مردم ایران برای تو آند کمر بسته اندر وفای تو آند
 شگون همه دیدنِ مهر تُست به جانِشان بر آمیخته مهر تُست
 بر آرنند از جان خَصَمَت دمار به چنگال شیر و به دندان مار
 (همان، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۸۷)

وطن دوستی و دعوت مسلمانان به اتحاد

ادیب به زادگاه خود، هندوستان عشق می‌ورزید و آنجا را تا سرحد جان دوست داشت. از روی وطن دوستی، با زبان شعر با انگلیس جنگید و برای دفاع از وطن تا پایان عمر در ایران، آواره زیست، او به ایران نیز تعلق خاطر داشت و هیچ یک از قصایدش از چاشنی وطن‌پرستی و تشویق به استقلال و آزادی تهی نیست؛ به نوشته بزرگ علوی: «ادیب پیشاوری از اولین شاعرانی است که در آثار خود میهن‌دوستی و ملی‌گرایی را می‌ستاید» (علوی، ۱۳۸۶: ۵۷). وی اوضاع ایران را که در خلال جنگ جهانی اول در محاصره همسایگان و تجاوز آنها قرار گرفته بود، با توصیف زیبایی بیان کرده است. شاعر، دولت روسیه را به «گرگ ریزیده مو»، دولت انگلیس را به «روباه» و دولت آمریکا را به «ریکاشه رنگرز» تشبیه کرده است و دل در گرو یاری قیصر آلمان، سروده است:

ز یک سوی من گرگِ ریزیده مو فسان کرده دندان، دژم کرده رو
 دگر سوی ریکاشه‌ی رنگرز نهان کرده در زیر خَز مارِ گز
 ز یک سوی روباه جنبانده دُم گراز از دگر سوی در اُشتلم
 زدو سوی تن کشته لت لت مرا یکی زد طپانچه دگر لت مرا...
 مراد دل به عشق اندرون کرد خویی زهر راه که آیم شوم شاه جویی
 به فَرُّ شهنشه که پیروز باد جهان را همه روزِ نوروز باد
 (پیشاوری، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۳۶-۳۸)

در دنباله، اندوه خود را از اینکه در ایران نیرویی برای مقابله در برابر متجاوزان وجود نداشت، ابراز می‌دارد. از اشعارش پیداست که با وجود اعلام بیطرفی دولت ایران در جنگ، وی نیز مانند بیشتر روشنفکران آزادیخواه، تمایل چندانی به بیطرفی نداشت، زیرا به نظر آنان، کشور میدانگاه جنگ شده بود و نمی‌بایست به بیطرفی اکتفاء شود. از این حیث، شاعر در نکوهش ایرانیان که جنگاوری را کنار گذاشته و با سپردن اداره امور سیاسی و نظامی به دست «کم‌اندیشگان» و «ستم‌پیشه‌گان» کشور را به سمت زوال می‌بردند (همان: ۳۱)، نگران و نالان می‌گوید:

نگه می‌کنم هیچ مردم نماند	در این باغ جز خشک هیزم نماند
زشیران تهی ماند نیزارها	چنان چونکه همیان ز دینارها
بمردند شیران و همیان زر	ز خاور سفر کرد زی باخت
رها کرد خوی پدر بچه شیر	چو من گشت بیدل هُزُبر دلیر

(همان: ۴۱)

به نظر ادیب، هر یک از رجال سیاسی مملکت که در نهادش خیانت دیده می‌شد، دولت‌های استعماری، او را برای اهداف خود انتخاب می‌کردند. وی در قصیده «در نفرین بر خائنین وطن» (پیشاوری، ۱۳۶۲: ۱۰۰-۹۷) به خوبی این موضوع را بیان کرده است:

باز گردد روز مردان بگذرد قحط‌الرجال	این مثل دانی که هست اولی را آخری
دل ازین نامردم مردم نمایم گشت خون	ز آن مرا یاری نبینی در جهان نه یآوری

(همان: ۱۵۰-۱۵۱)

شاعر از شخصیت‌های سیاسی و رؤسای کشور نیز نالان است که چرا امور داخلی ایران را به دست بیگانگان سپرده‌اند، زیرا بیگانگان در پی منافع خویش هستند و تا زمانی که به

اهداف استعماری خود دست نیابند، برای آبادانی ایران کار مفیدی نمی‌کنند (همان، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۳۱). او حضور نیروهای بیگانه را موجب نابودی سرمایه‌های داخلی می‌دانست:

بیاید یکی مهره باز کهن شناسایی بازی ز سرتا به بُن
 رباینده هوش هر خام مغز نماینده بلبل از بانگ چغز
 که گفتند ازین کرم، اختر کنیم وزین باغ، هر شاخ بی بر کنیم
 نشستند و گفتند و برخاستند نشد آن کار آنچه می‌خواستند
 همان باغ پژمرده پژمرده تر شد بماند و تنِ مردم‌مرده تر شد

(همان: ۳۱-۳۲)

ادیب هیچ گناهی را بزرگ‌تر از «خیانت به وطن» و «تمایل به اجانب» نمی‌دانست (عبدالرسولی، ۱۳۶۲: ۵-۶) و در بیشتر سروده‌هایش این موضوع آشکار است. بر این اساس به ایرانیان توصیه می‌کرد که برای نجات مملکت خود بکوشند؛ زیرا ایران بر اثر حضور بیگانگان رو به خرابی و ناسازگاری رفته است. گرچه ایران متعلق به ایرانیان است، اما در زمان جنگ، انگلیس و روسیه حکم‌فرمایی می‌کردند و گویی کشور ایران را کرایه کرده بودند (پیشاوری، ۱۳۶۲: ۱۳۸). از این رو شاعر «کار ایران را ناساخته از ساز» بیگانگان می‌دانست و در پی راه نجاتی بود:

از خدا میخواد ای ایران نجات و مخلصی ز آنکه همچون مهره افتاده اندر ششدری

(همان: ۱۴۵)

گذشته از ایران دوستی، ادیب نسبت به سرنوشت همه انسان‌ها، به ویژه مسلمانان نیز احساس مسئولیت می‌کرد و افسوس می‌خورد که چرا هندی‌ها، مصری‌ها، ایرانی‌ها، ترک‌ها، افغان‌ها و مردم دیگر سرزمین‌های مشرق زمین زیر سلطه بیگانگان هستند و از توانایی‌های خود در جهت اعتلای میهن خویش استفاده نمی‌کنند. چنین بود که در هنگامه جنگ، ندای

اتحاد اسلام سر داد. می‌توان او را در استعمارستیزی، با سیدجمال‌الدین اسدآبادی همفکر دانست؛ زیرا هر دو شخصیت، استعمار انگلیس را به طور عمومی، عامل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌دانستند و اتحاد همهٔ مسلمانان را در برابر انگلیس به عنوان راه حل پیشنهاد می‌کردند. از این رو، می‌توان «ادیب را پیشرو بیداری جدید» هم دانست (ریپکا، ۱۳۸۳: ۶۵۳/۲). درد و غم ادیب، درد و غم تمام جهان اسلام بود و برای یک یک بلاد مسلمین و سرنوشت آنها احساس نگرانی می‌کرد. این دیدگاه را در قصیدهٔ «در تحسر از حوادث واقعه در بلاد اسلام و هند و معانی دیگر» می‌توان به خوبی دریافت:

آنچه با شکر کند آبی و با عور آذری کرد با من انده ایران و بغداد و هری
... آنچه می‌دزدد غم مصر و عراق از تن مرا از کتانی مه ندزدد وز نمی‌تفّ خوری
تن چونال مصر گشت و دیده همچون نیل مصر باز آمد گوئیا فرعونى با لشکری...

(پیشاوری، ۱۳۶۲: ۱۳۶)

به نظر ادیب، تفرقهٔ مسلمانان، کشورهای آنان را به مرور زمان به دست استعمارگران خواهد انداخت. وی که به چشم خویش تصرف هندوستان را به دست انگلیسی‌ها دیده بود، ورود نیروهای انگلیسی به ایران را نیز پیش‌بینی می‌کرد. از این رهگذر، از ایرانیان به عنوان نمونه‌ای برای کل جهان اسلام می‌خواست تا در برابر استعمار چاره اندیشی کنند:

نوبت هندو گذشت و نوبت تازی گذشت نوبت ایرانی رسید ای ساده دل نوبت تراست
(همان: ۱۸)

او نفاق و دوگانگی در کشورهای اسلامی را عامل پیشرفت بیگانگان می‌دانست و مسلمانان را به یکدلی و اتحاد در برابر دشمن ترغیب می‌کرد:

یکدلی‌تان راست خواهد کرد این بالای کوژ سال‌ها از دو دلیتان راست بالا خم گرفت

(همان: ۲۰)

در جای دیگری، شاعر به مسلمانان توصیه می‌کند دوگانگی را کنار بگذارند و با یاری یکدیگر، با دولت‌های استعمارگر مبارزه کنند:

ز پیرامن دل، ستردن دوئی
ره‌اند شما را ز هر جادوئی
شوید و یکدلی بسپرید
ز دل زنگ هر جادویی بسترید...
پی اینست این جادویها که تا
نفاق اوفتد در میان شما
به تارک بنه تاج اسلام را
مکن بد ز خود این نگونام را
چو بچگان یک مادر و یک پدر
قوی پشت باشد از یک دیگر
(پیشاوری، ن.خ. ۸۱۲۸/۶۱۴۵۶: ۶۷-۶۸)

ادیب در قصیده‌ای به زبان عربی بر اتحاد و یگانگی امت اسلامی تأکید کرده است: از عرب و هندی و ترک و افغان و ایرانی امت واحدی بنا کنید و با جدیت به حمایت از همدیگر برخیزید و دشمنان خود را از میان بردارید (همان: ۴).

نتیجه

ادیب پیشاوری، شاعر روشن‌فکر و آزادیخواه، که مقارن جنگ جهانی اول می‌زیست، با موج احساسات ضدانگلیسی-ضدروسی در ایرانِ زمان جنگ همسو شد و امیدوار بود که آلمان بر متفقین پیروز شود. به همین سبب در اشعارش به ستایش از قیصر آلمان و جنگاوری آنها و نیز نکوهش انگلیس و روسیه پرداخت. او درد ایرانیان و مسلمانان را تفرقه و عدم اتکاء به نیروی خود می‌دانست و درمان این مرض را در اتحاد و یگانگی ایرانیان و کشورهای مسلمان می‌دید تا از این طریق بتوانند در برابر استعمار انگلیس بایستند. وی با اشعار حماسی، روحیه دلیری، جنگاوری و مقاومت را در دل مردم مسلمان و به ویژه ایرانیان زنده می‌کرد. اشعارش به گواهی کمره‌ای: «...واقعاً خیلی بالذات و مؤثر» (کمره‌ای، ۱۳۸۴: ۱۴۷۶/۲) بود. این اشعار بر مردم

تأثیر می‌گذاشت و «در کوچه و بازار با نشاط فراوانی خواننده و تکرار می‌شد» (کحال زاده، ۱۳۶۳: ۲۷۷). به طور کلی، بازتاب جنگ جهانی اول در اشعار ادیب پیشاوری را بر پایهٔ چهار اصل کلی می‌توان بررسی کرد: (۱) انزجار از دولت‌های استعماری روسیه و انگلیس، (۲) انزجار از دولت‌های استعماری، ایرانیان را به سمت نیروی سوم و قوی‌تری در آن زمان سوق داد: آلمان، که ادیب آشکارا دولت آن را ستایش می‌کرد؛ (۳) اتحاد اسلامی، یا به طور دقیق‌تر، اتحاد با دولت عثمانی که از لحاظ دینی با آن هماهنگی بیشتری دیده می‌شد؛ (۴) هواداری عمومی از آلمان به عنوان عاملی برای همگرایی ملی و وحدت سیاسی، در صورت تداوم می‌توانست، همچون اهرمی برای فشار به متفقین و واداشتن آنان به عقب‌نشینی عمل کند.

منابع و مأخذ

نسخه‌های خطی

- پیشاوری، ادیب (۱۳۳۶) قیصرنامه، به خط عبرت نائینی، نسخه خطی موجود در کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد شماره ثبت ۶۵ d.
- _____ [بی تا] قیصرنامه، به خط عبرت نائینی نسخه خطی موجود در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۶۱۴۵۶/ ۸۱۲۸.
- عبرت نائینی، محمدعلی (۱۳۷۶)، *تذکره مدینه الادب*، چاپ عکسی از روی نسخه خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- _____ (۱۳۷۷)، *نامه فرهنگیان*، چاپ عکسی از روی نسخه خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

کتاب‌ها

- آرین پور، یحیی (۱۳۵۱)، *از صبا تا نیما*، تهران: انتشارات فراکلین.
- آقا بزرگ طهرانی (۱۴۰۴)، *طبقات اعلام الشیعه، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر*، ج ۲، با تعلیقات: عبدالعزیز طباطبایی، مشهد: نشر دارالمرتضی.
- ابوالحسنی، علی (۱۳۷۳)، *آینه‌دار طلعت*، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- _____ (۱۳۸۲)، «اسب تروای ویلسن»، *مجله زمانه*، س ۲، ش ۱۴، آبان ۱۳۸۲، صص ۱۸-۱۴.
- اسحاق، محمد (۱۳۶۳)، *سخنوران نامی ایران*، ج ۱، تهران: نشر طلوع و سیروس.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۷)، *از پاریز تا پاریس*، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- بامداد، مهدی (۱۳۵۲)، *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴*، تهران: کتابفروشی زوآر.
- پرنو، موریس (۱۳۲۴)، *زیر آسمان ایران*، ترجمه: کاظم عمادی، تهران: کتابفروشی علمی.
- پیشاوری، ادیب (رضوی، احمد) (۱۳۶۲)، *دیوان اشعار*، گردآوری و تحشیه: علی عبدالرسولی، تهران: چاپ پارت.
- تویسرکانی، پارسا (۱۳۴۶)، *خاطره‌ای از ادیب پیشاوری*، خاطرات و اسناد، تهران: انتشارات وحید.
- _____ (۱۳۵۰)، (۱) «*خاطرات ادبی*»، *خاطرات وحید*، س ۹، ش ۲، دوره جدید، دی ماه ۱۳۵۰.
- _____ (۱۳۵۰)، (۲) «*خاطرات ادبی*»، *خاطرات وحید*، س ۹، ش ۳، دوره جدید، بهمن ماه ۱۳۵۰.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۸۷)، *حیات یحیی*، با مقدمه و تصحیح: مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: انتشارات فردوس.
- ریپکا، یان و دیگران (۱۳۸۳)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: سخن.
- سپهر (مورخ‌الدوله)، احمدعلی (۱۳۶۲)، *ایران در جنگ بزرگ*، چاپ دوم، تهران: انتشارات ادیب.

- سدیدالسلطنه، محمدعلی خان (۱۳۶۲)، سفرنامه سدیدالسلطنه «التدقیق فی سیرالطریق»، به تصحیح: احمد اقتداری، تهران: انتشارات به نشر.
- عبدالرسولی، علی (۱۳۶۲)، مقدمه بر دیوان ادیب پیشاوری، تهران: چاپ پارت.
- علوی، بزرگ (۱۳۸۶)، تاریخ ادبیات معاصر ایران، ترجمه: سعید فیروزآبادی، تهران: انتشارات توس.
- کحالزاده، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، دیده‌ها و شنیده‌ها «خاطرات»، به کوشش: مرتضی کامران، تهران: نشر فرهنگ.
- کسروی، احمد (۱۳۶۴)، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، تهران: امیرکبیر.
- کمره ای، محمد (۱۳۸۴)، روزنامه خاطرات سید محمد کمره ای، ج. ۱، به کوشش: محمدجواد مرادی نیا، تهران: اساطیر.
- گامین، گ. گ. (۱۳۵۷)، عارف شاعر مردم، ترجمه: غلامحسین متین، تهران: انتشارات آبان.
- لیتل فیلد، هنری ویلسون (۱۳۸۱)، تاریخ اروپا از ۱۸۱۵ به بعد، ترجمه: فریده قره چه داغی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمدعلی (۱۳۳۸)، مکارم الآثار، اصفهان: اداره کل فرهنگ و هنر اصفهان.
- میرانصاری، علی (۱۳۷۷)، «ادیب پیشاوری» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف اسلامی، صص ۳۶۸-۳۷۱.
- هیوز، استوارت (۱۳۶۱)، تاریخ معاصر اروپا، ترجمه: علی‌اکبر بامداد، تهران: امیرکبیر.

نشریات

- روزنامه عصر جدید، ۱۸ ذیحجه ۱۳۳۳، س ۲، ش ۱۸.
- روزنامه عصر جدید، ۱۹ رمضان ۱۳۳۴، س ۲، ش ۱۲۰.